

آهنگری که روحش را وقف خدا کرده بود!



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش آموزی

(به صورت ماهنامه و هشت شماره در هر سال تخصصی منتشر می‌شوند)

لشد کودک

(برای دانش آموزان آمادگی و پایه اول دوره دبستان)

لشد نوآموز

(برای دانش آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره دبستان)

لشد دانش آموز

(برای دانش آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره دبستان)

لشد نوجوان

(برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)

لشد فک

(برای دانش آموزان دوره متوجهه و پیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماه نامه و هشت شماره در هر سال تخصصی منتشر می‌شوند):

- ◆ رشد آموزش ابتدایی ◆ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ◆ رشد تکنولوژی آموزشی ◆ رشد مدرسه فردا ◆ رشد مدیریت مدرسه ◆ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال و دانش آموزی تخصصی

(به صورت فصلنامه و چهارشماره در هر سال تخصصی منتشر می‌شوند):

- ◆ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی) ◆ رشد برهان متوجهه (مجله ریاضی برای دانش آموزان دوره متوجهه) ◆ رشد آموزش قرآن ◆ رشد آموزش معارف اسلامی ◆ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ◆ رشد آموزش هنر ◆ رشد آموزش مشاور مدرسہ ◆ رشد آموزش تربیت بدنی ◆ رشد آموزش علوم اجتماعی ◆ رشد آموزش تاریخ ◆ رشد آموزش گرافیا ◆ رشد آموزش زبان ◆ رشد آموزش ریاضی ◆ رشد آموزش فیزیک ◆ رشد آموزش شیمی ◆ رشد آموزش زیست‌شناسی ◆ رشد آموزش زمین‌شناسی ◆ رشد آموزش فنی و حرفه‌ای ◆ رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، داشت‌جویان مرکز تربیت معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

- ◆ نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پژوهش، پلاک ۶۶، دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی.
- ◆ تلفن و نمایر: ۰۲۱ - ۸۸۳۰ ۱۴۷۸

آهنگری پس از گذراندن دوران پرشروش‌ور جوانی، تصمیم گرفت روحش را وقف خدا کند. سال‌ها باعلاقه کار و به دیگران نیکی کرد، اما با تمام پرهیزگاری، اوضاع زندگی اش درست به نظر نمی‌آمد. حتی مشکلاتش مدام بیشتر می‌شد.

یک روز عصر، یکی از دوستانش که به دیدنش آمده بود، وقتی از وضعیت دشوار او مطلع شد، به او گفت: «واقعاً که عجب! درست بعد از اینکه تصمیم گرفته‌ای مرد خذاترسی بشوی، زندگی ات بدتر شده است، نمی‌خواهم ایمان را ضعیف کنم، اما چرا با وجود تمام رنج‌هایی که در مسیر معنوی به خود داده‌ای، زندگی ات بهتر نشده است؟!» آهنگر مکث کرد. او بالاصله پاسخ نداد. و سرانجام هم در سکوت، پاسخ را یافت.

این پاسخ آهنگر بود:

«در این کارگاه، فولاد خام برایم می‌آورند تا از آن شمشیر بسازم. می‌دانی چطور این کار را می‌کنم؟ اول تکه فولاد را با آتشی به اندازه آتش جهنم حرارت می‌دهم تا سرخ شود. بعد با بی‌رحمی، سنجین ترین پتک را بر می‌دارم و پشت سر هم به آن ضربه می‌زنم تا فولاد شکلی را بگیرد که می‌خواهم. بعد آن را در تشت آب سرد فرو می‌کنم و تمام این کارگاه را بخار آب فرامی‌گیرد. فولاد به خاطر این تغییر ناگهانی دما ناله می‌کند و رنج می‌برد. باید این کار را آن قدر تکرار کنم تا به شمشیر مورد نظرم دست یابم، یک بار کافی نیست.»

مدتی سکوت کرد و سپس ادامه داد: «گاهی فولادی که به دستم می‌رسد نمی‌تواند تاب این عملیات را بیاورد. حرارت، ضربات پتک و آب سرد، تماش را ترک می‌اندازد. می‌دانم که این فولاد هرگز تیغه شمشیر مناسبی درنخواهد آمد. آن وقت است که آن را به میان انبوی زباله‌های کارگاه می‌اندازم.»

باز مکث کرد و بعد ادامه داد:

«می‌دانم که در آتش رنج فرو می‌روم. سختی ضربات پتکی را که زندگی بر من وارد کرده است پذیرفتهم و گاهی به شدت احساس سرما می‌کنم. انگار فولادی باشم که از آبدیده شدن رنج می‌برد. اما تنها دعایی که به درگاه خداوند دارم این است:

خدای من، از آنچه برای من خواسته‌ای صرف نظر نکن تا شکلی را که می‌خواهی به خود بگیرم. به هر روشی که می‌پسندی ادامه بده. هر مدت که لازم است، ادامه بده، اما هرگز، هرگز مرا به میان کوه زباله‌های فولادهای بی‌فایده پرتاب نکن.»